



تاریخچه‌ی تحول پوشاک بانوان ایرانی در دوره‌ی قاجاریه

اشرف رجبی



اشاره

زمانی انسان پوشش تن را فقط محافظ خود در مقابل تهدیدات محیط خارجی می‌پنداشت. او این پوشش را حریم قرار داد، میان خود و دنیای خارج. اما با بزرگ‌تر شدن حریم‌ها، حجاب تن وسیله‌ای شد برای حجاب و حریم قوم و قبیله‌اش. پوشش نشانی شد برای شناسایی او از دیگران، و زبانی گویا بر اعتقادات و سنن و فرهنگی که به‌طور خاص متعلق به خودش بود و نمودی از ارزش‌های ملی و مذهبی که در لباس تجلی می‌یافت. همه و همه‌ی این‌ها باعث شدند که به ارزش و اهمیت حجاب و پوشش پی ببرد.

نوع پوشش قشرهای متفاوت یک جامعه، برگرفته از رفتارهای اجتماعی و آداب و سنن و اقلیم... و فرهنگ خاص متعلق به آن جامعه است. تأثیر افکار، عقاید و لباس بر یکدیگر موجب شد، پوششی را برای خود برگزینند که تداوم آن طی سال‌ها جزو هویت و اعتبارش شود. تنوع در پوشش‌های افراد یک جامعه، نشان‌دهنده‌ی تنوع در فرهنگ و آداب و سنن آن جامعه است و هر قدر این تنوع در مسائل فرهنگی جامعه بیش‌تر باشد، مسلماً بر غنای فرهنگی آن نیز افزوده خواهد شد. بنابراین، هدف از این مقاله، نگاهی کلی است بر پوشاک بانوان ایرانی دوره‌ی قاجاریه (در شهر تهران) و بررسی تغییرات و تحولات اثرگذار بر پوشش بانوان این دوره.

بررسی چگونگی پوشاک بانوان در دوره‌ی قاجاریه، نیازمند شناختی کلی از تاریخ، دانستن قدمت حکومت قاجاریه و آگاهی از اتفاقات و حوادثی است که در این دوره روی داده‌اند. روش حکومت در دوره‌ی قاجاریه، نحوه‌ی ارتباط حاکمان وقت با دولت‌های بیگانه، ظهور انقلاب مشروطه و برخی عوامل دیگر باعث شدند، دوران قاجاریه از لحاظ تاریخی به سه دوره تقسیم شود. شاید بیش‌ترین تغییراتی را که در نحوه‌ی پوشش افراد به ویژه بانوان روی داده است بتوان از طریق همین تقسیم‌بندی‌ها و شناسایی عوامل اثرگذار بر این موضوع دنبال کرد.

۱. دوره‌ی اولیه

این دوره، با روی کار آمدن آغامحمدخان قاجار شروع می‌شود،

با سلطنت فتحعلی شاه ادامه می‌یابد و با سلطنت نوه‌ی او، محمد میرزا با عنوان محمد شاه پایان می‌یابد. در همین دوره بود که آغامحمدخان، تهران را پایتخت قرار داد.

در دوره‌ی اول که تقریباً نیم قرن طول کشید، ایران شاهد حوادث و اتفاقاتی بوده که هیچ کدام از آن‌ها بر روند شکل‌گیری پوشش افراد، به ویژه بانوان بی‌تأثیر نبود.

ویژگی اصلی این دوره، جنگ‌های ایران و روسیه است. توجه بیگانگان، به ویژه انگلیس و فرانسه، به تازگی به ایران جلب شده بود. بنابر مقاصد سیاسی و یا تجاری، افرادی را به دربار ایران می‌فرستادند و خواهان برقراری ارتباط با ایران بودند.

۲. دوره‌ی میانی

این دوره با پادشاهی ناصرالدین شاه در سال ۱۲۶۴ ق شروع شد و در سال ۱۳۱۳، با ترور او پایان یافت. حکومت ناصرالدین شاه نیم قرن طول کشید. او آخرین شاهی محسوب می‌شود که به روش سنتی و به دلخواه خود سلطنت می‌کرد. در این دوره، چند آشوب داخلی، ناامنی‌های مرزی در شرق ایران و حمله‌ی ناکام دولت ایران برای تصرف هرات رخ داد که عاقبت در پی شکست از انگلیس، ایران مجبور شد، امتیازاتی با ارزش را به این کشور بدهد. این موضوع نه تنها موجب ضعف حکومت و مردم در اقتصاد، تجارت و... شد، بلکه زمینه‌ی نفوذ و تأثیر بیش‌تر بیگانگان را بر فرهنگ مردم ایران فراهم آورد. از طرف دیگر، شاه که متوجه شده بود، از سروکار داشتن با اروپاییان گریزی نیست، روزه‌روز بیش‌تر تحت تأثیر نفوذ بیگانگان خصوصاً انگلیس قرار گرفت و سفرهایی به فرنگ داشت که این سفرها نیز به نوبه‌ی خود بر فرهنگ ایران تأثیر گذاشتند.

۳. دوره‌ی پایانی

بعد از ناصرالدین شاه، مظفرالدین شاه و سپس محمدعلی شاه و احمدشاه به عنوان شاهان ایران بر سرکار آمدند. حکومت آن‌ها قریب به سی و سه سال طول کشید. دوره‌ی پایانی حکومت قاجار پر از فراز و نشیب‌های سیاسی بود. نفوذ بیش‌تر از پیش بیگانگان در ایران، خصوصاً دو کشوری که قبلاً ذکر شدند، باعث اختلافاتی در کشور و تغییراتی عمده در وضع زندگی مردم شد و زمینه‌های انقلاب مشروطه را فراهم آورد. مشروطیت بر فرهنگ و آداب و رسوم کشور اثر گذاشت و بسیاری از سنت‌ها و عقاید ارزشمند را کم‌رنگ کرد.

بررسی پوشاک دوره‌ی قاجاریه

جهانگردان و سیاستمدارانی که به ایران سفر می‌کردند، همواره به پوشش مردان و زنان توجه داشتند و بارها این موضوع را در کتاب‌های خود متذکر شده‌اند. برای مثال، مادام ژان دیولافوا در کتاب خود می‌نویسد: «لباس‌هایی که زنان در حرمسرا می‌پوشیدند با آنچه که در کوچه و خیابان به تن می‌کردند، تفاوت‌های زیادی داشت. لباس کوچه و بازار از این جهت تهیه می‌شد که همه‌ی قسمت‌های بدن را از چشم عابران پوشاند، اما لباس‌هایی که خانم‌ها در حرمسرا و منازل خود استفاده می‌کردند، از تنوع و طرح‌های دیگری برخوردار بود» [دیولافوا، ۱۳۷۶: ۱۴۰ و ۱۴۱].

بین پوشاک خانم‌ها در بیرون از منزل با آنچه که در منزل می‌پوشیدند، تفاوت‌های بسیاری وجود دارد. بخشی از این تفاوت‌ها شامل رنگ پارچه، طرح و نقش، و جنس و تزئینات است. اما بخشی دیگر را می‌توان از تفاوت‌های موجود میان عقاید، افکار، و آداب و سنن جست‌وجو کرد که خود این عوامل، باعث متفاوت بودن این دو نوع پوشش می‌شود. در نتیجه، برای بررسی بهتر و دقیق‌تر می‌توان پوشاک خانم‌ها را در این دوره به دو دسته‌ای اندرونی و بیرونی تقسیم کرد و آن را با لحاظ کردن هر یک از دوره‌های قاجاریه، مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

پوشش اندرونی زنان در دوره‌ی اولیه

پوشاک اوایل دوره‌ی قاجاریه برگرفته از پوشش‌هایی بوده است که در دوره‌های صفویه، افشاریه و زندیه استفاده می‌شده‌اند. این شکل کلی در پوشاک، تا اوایل دوره‌ی قاجار و از جمله زمان فتحعلیشاه قاجار ادامه یافت و در این دوره تنها تغییرات کوچکی در اندازه‌ی لباس‌ها و طرح پارچه‌ها ایجاد شد. چنانچه سرهنگ گاسپار درویل^۱ که در شروع دوران قاجاریه ایران سفر کرده است، می‌نویسد: «هنوز پوشاک عهد زندیه مرسوم و متداول است.» او همچنین درباره‌ی پوشاک بانوان می‌نویسد: «دستار آن‌ها از پارچه‌ی شال است و با مهارت‌های تمام پیچیده می‌شود و با مروارید و جواهرات گرانبها آراسته می‌شود... زنان مانند مردان، پیراهن‌های کوتاه و بدون یقه و سینه‌باز می‌پوشند و پیراهن دارای تزئیناتی مانند مروارید و یا دکمه‌های زرین می‌باشد» [درویل، ۱۳۶۵].

در این دوره، زنان از لباس‌هایی که بسیار تنگ و چسبان بودند، استفاده می‌کردند تا هرچه بیش‌تر به رعنائی و قد آن‌ها بیفزاید و آن‌ها را لاغرتر نشان دهد. لباس زنان از چند تکه تشکیل می‌شده است:

● پیراهن که از پارچه‌ی بسیار نازک بوده و آستین‌های بلند و یقه‌ای

گرد داشته است. جلوی پیراهن، از یقه تا پائین سینه باز بوده و با یک دکمه زیر گلو بسته می شده است پیراهن تاروی ناف می رسید و لبه های یقه، جلوی باز و لبه های آستین آن معمولاً دارای تزئینات و یراق دوزی بود. روی پیراهن، نیم تنه ای بسیار تنگ و چسبان به نام «ارخالق» می پوشیدند که آستین هایی تنگ و چسبان داشت و برای آن که راحت تر بتوان دست را حرکت داد، زیر بغل آن چاکی بود. سرآستین، سمبوسه طراحی می شد که تاروی دست می آمد.

● نیم تنه در قسمت جلو با دکمه بسته می شد، همان تزئینات و یراق دوزی و گلدوزی پیراهن را داشت و تاروی کمر بود.

● دامن گشاد و چین دار بود و بلندی آن تاروی پا می رسید. لبه های آن گلدوزی و یا نواردوزی داشت که از تزئینات کلی لباس های این دوره بود. زیر دامن، شلوار می که به آن «زیرجامه ای» می گفتند. می پوشیدند. دم پای شلوار چین خورد بود، ولی در قسمت بالای آن عریض می شد و سپس با یک لیفه که از درون آن کش یا نخ رد می شد، به اندازه ی دور کمر در می آمد. همچنین، از جوراب های ساق کوتاه استفاده می کردند.

● شالی به دور کمر می بستند که علاوه بر افزون بر زیبایی لباس، به بلندتر شدن و لاغرتر نشان دادن اندام کمک می کرد.

● روی سر، روسری سه گوشی که چارقد نامیده می شد، می انداختند و آن را زیر گلو با سنجاق های تزئینی می بستند. روی سر و زیر چارقد از کلاهی از جنس ترمه که با ابریشم گلدوزی شده بود، استفاده می کردند.

تفاوت پوشش دربار و طبقه ی عادی جامعه فقط در جنس و مقدار تزئینات روی لباس بود و در الگوی پوشش خانم های درباری و عادی تفاوتی دیده نمی شد. این یکسان بودن طرح و الگوی لباس ها، به دلیل رفت و آمد خانم ها و کنیزان دربار با بستگان شان و بیرون از کاخ شاهی بود و مد لباس از این طریق به بیرون از کاخ نیز کشیده می شد.

پوشش اندرونی زنان در دوره ی ناصرالدین شاه

به دلیل رفت و آمد بیشتر بیگانگان به دربار و ارتباط بیشتر تر خانم های درباری با زنان سفرا و سایر سیاستمداران، تغییراتی در نحوه ی پوشش آن ها نسبت به دوره ی قبل به وجود آمد. البته بخشی از لباس های

سنتی همچنان به شکل گذشته باقی ماند و تغییرات کمی پیدا کرد. لباس های مورد استفاده در این دوره مانند دوره ی قبلی از چند تکه تشکیل می شد:

● پیراهن که از پارچه های نازک ابریشمی و حریر به رنگ صورتی یا آبی بود و روی آن، تزئیناتی با دست انجام می شود. مانند پیراهن دوره ی قبل آستین بلندی داشت و فقط اندازه ی آن نسبت به دوره ی گذشته بلندتر شده بود.

● ارخالق های این دوره نسبت به گذشته قد کوتاه تری داشت و از زیر آن، پیراهن بیرون می آمد. در قسمت جلو با دکمه بسته می شد و نسبت به ارخالق دوره ی قبل، کمی گشادتر بود. آستین هایی بلند، همراه با سمبوسه ای بلندتر از سمبوسه ای ارخالق قبلی داشت که روی دست آویزان می شد و هنگام فعالیت، لبه ی سمبوسه از روی دست برمی گشت و با یک دکمه به وسط آستین متصل می شد. روی سمبوسه نیز تزئیناتی وجود داشت.

جنس پارچه های مصرفی نیز مانند گذشته بود، با این تفاوت که در بعضی موارد، به جای پارچه های بافت داخل از پارچه هایی که از خارج وارد کشور می شدند و به «چیت موصلی» معروف بودند، استفاده می کردند. قسمت دیگری از لباس خانم ها که آن روزها بسیار مورد استفاده قرار می گرفت و به شدت تغییر پیدا کرد، شلیته بود.

در سال های اولیه حکومت ناصرالدین شاه، دامن ها هنوز مانند گذشته بلند و تاروی پا بود، ولی بعد از سفر شاه به فرنگ، در مراسم جشن و رقصی که بالترین های سن پترزبورگ در مقابل او انجام دادند، دامن های کوتاه و پرچین و پاهای بدون شلوار آن ها توجه شاه را به خود

جلب کرد و هنگام بازگشت از فرنگ، با خود چند دست لباس بالترین ها را به ایران آورد و آن ها را به خانم های درباری تقدیم کرد. همچنین در این دوره، زیر این دامن های کوتاه که تا ساق پا می رسیدند، از زیردامنی استفاده می کردند تا چین دامن هرچه بیش تر به نظر بیاید و دامن دارای پف بیش تری بشود [نجمی، ۱۳۶۲: ۱۶۷ و ۱۶۸]. همچنین، به جای شلوارهای گشاد گذشته، از شلوارهای کوتاه و تنگ استفاده می کردند. زنان درباری زمانی که در حرمسرا بودند، شلوار نمی پوشیدند و فقط از شلیته استفاده می کردند. حجاب



سرخانم‌ها همانند گذشته چارقد بود که با یک سنجاق تزئینی زیرگلو بسته می‌شد و گوشه‌های آن به پشت سر انداخته می‌شد.

در اواخر این دوره، کتی دوخته شد که روی پیراهن می‌پوشیدند. احتمالاً این کت نیز به تقلید از کت‌هایی بود که زنان فرنگی همراه با دامن به تن می‌کردند؛ با آستین‌های بلند و ساده و جوراب‌های کوتاه. از جمله فرق‌های دیگری که در پوشش خانم‌های این دوره مشاهده می‌شد، لباس‌هایی بود که آن‌ها را چاق‌تر نشان می‌داد. به علاوه، توجه‌شان کم‌کم به دوخت لباس‌های یقه‌دار جلب شد.

پوشش اندرونی زنان در اواخر دوره قاجاریه

لباس‌های سنتی گذشته هنوز مانند دو دوره‌ی قبل مورد استفاده قرار می‌گرفتند، اما به‌طور کل رفته‌رفته لباس زنان هرچه بیش‌تر به سمت اروپایی شدن پیش می‌رفت. لباس هنوز شامل پیراهن، نیم‌تنه، دامن و شلوار بود، ولی در برش و الگوی لباس‌ها تغییراتی صورت گرفتند که بیش‌تر مطابق با لباس‌های فرنگی بودند. «... دامن‌های کوتاه معمولی (شلیته) کم‌تر مورد توجه قرار می‌گرفت و خانم‌ها از دامن‌هایی که به شیوه اروپایی بود و پشت آن برجسته و جلوی آن پیش افتاده بود، استفاده می‌کردند. پیراهن‌های چسبان و نخی که از رنگ سفید و قرمز بود به تن می‌کردند. این پیراهن‌ها جلو باز بود که با دکمه بسته می‌شد و از پیراهن‌های دوره‌ی قبل بلندتر بود. روی پیراهن، از نیم‌تنه‌ای که از جنس ضخیم‌تر و لایه‌دوژی و آستر دوژی شده بود، استفاده می‌کردند. زیر دامن شلوار تنگ و سیاه که از شلوارهای دوره‌ی قبل بلندتر بود، به پا می‌کردند، اما در این دوره تزئینات روی لباس‌ها مانند گذشته نبود و از پارچه‌های نقش‌دار خارجی استفاده می‌کردند که هم‌ارزان‌تر و هم‌نسبت به پارچه‌های یافت داخلی دارای دوام بهتری بود.

در این دوره، از زیردامنی سیاه و سفید استفاده می‌کردند. همچنین استفاده از کت، همراه با دامن نه چندان کوتاه (بلندتر از دامن‌های شلیته) متداول شده بود. سعی می‌شد کت با رنگ دامن هماهنگی داشته باشد. همچنین، استفاده از یقه روی کت مورد توجه قرار گرفت. برخی از خانم‌ها که الگوی لباس‌شان فرنگی بود، از مدل یقه‌های فرنگی نیز استفاده می‌کردند [کولیور رایس: ۱۲۷-۱۲۰]. جوراب‌های ساق بلند، جای جوراب‌های ساق کوتاه را گرفته

بودند. این جوراب‌ها نیز یا از خارج وارد می‌شدند و یا آن‌ها را طبق الگوی فرنگی می‌بافتند. حجاب خانم‌ها هنوز هم به وسیله‌ی چارقدی سه‌گوش که زیر گلو سنجاق می‌شد، در داخل حرمسرا و خانه، حفظ می‌شد. جنس چارقد‌ها از پارچه‌های نازکی بود که روی آن گاهی تزئینات دستی انجام می‌شد.

پوشش بیرونی زنان در دوره قاجاریه

در این دوره، استفاده از چادر همچنان مرسوم بود. استفاده از این پوشش تقریباً در هر سه دوره‌ی قاجاریه یکسان بود. چادر نوعی پوشش بود که بیرون از منزل بر سر می‌انداختند تا بدن را از دید نامحرمان محفوظ بدارند.

با استفاده از نقاشی‌های به جای مانده از سیاحانی که به ایران سفر کرده‌اند، چنین برمی‌آید که خانم‌های قاجاریه در دوره‌ی اولیه نیز از چادرهایی استفاده می‌کردند که شبیه به چادرهایی امروزی بوده‌اند. همچنین، از روبندی روی صورت خود به منظور پوشاندن صورت‌شان استفاده می‌کردند که تا زانو می‌رسید. در مقابل چشم، پارچه‌ای توری مانند می‌دوختند تا بتوانند، از زیر آن بیرون را ببینند. این روبند، در سایر دوره‌ها نیز مرسوم بوده است. همچنین، استفاده از دستکش در هر سه دوره متداول بود و روی دستکش‌ها گلدوزی و تزئینات دست‌دوز وجود داشت.

«در دوره‌ی ناصرالدین شاه، چادرها تغییراتی کرد و چادرهایی به نام چادر قالبی دوخته شد. جنس چادرها از دیت یا پارچه‌های ابریشمی و ساتن بود. برای خانم‌های درباری از پارچه‌های ظریف‌تر استفاده می‌کردند. این چادر، مانند یک کیسه دوخته می‌شد و برای آن‌که از سر به پائین نیفتند و دست‌ها آزاد باشند، دور کمر را نوار می‌دوختند. خانم‌های جوان این نوار را به دور کمر گره می‌زدند و خانم‌های مسن‌تر آن را به دور گردن می‌انداختند.

چاقچور، تکه‌ی مصرفی دیگری بود که خانم‌های قاجاری هنگام خارج شدن از خانه آن‌را می‌پوشیدند. در این دوره، به دلیل آن‌که به دستور ناصرالدین شاه شلوارها تنگ و کوتاه شدند و قسمتی از پاها پیدا می‌شد، برای خارج شدن از خانه مجبور شدند، چاقچور را که شبیه به شلوار جورابی است، روی زیرجامه‌ی خود به پا کنند. چاقچور در قسمت بالا آزاد و گشاد بود و در قسمت مج با چین می‌خورد و به یک جوراب دوخته می‌شد، تا هیچ قسمتی از بدن پیدا نشود» [نجمی،



۱۳۶۲: ۱۶۸-۱۶۷].

وضعیت زنان در دوره‌ی مشروطه نیز تا حدودی شبیه به دوره‌ی حکومت ناصرالدین شاه بود. زنان در باری هنگام خارج شدن از خانه از چادر و چاقچور استفاده می‌کردند و روبند می‌زدند. تنها چیزی که اواخر این دوره مد شد، نقابی مستطیل شکل بود که فقط مقابل چشم‌ها قرار می‌گرفت. این نقاب به پیچه معروف بود و فقط خاتم‌های بالای شهر از آن استفاده می‌کردند و استفاده از آن در قسمت‌های جنوبی شهر ممنوع بود. پیچه از موی یال اسب به شکل ظریفی بافته می‌شد. علت استفاده از آن

نارضایتی خانم‌ها از روبند بود. در اواخر این دوره، کفش‌های خانم‌ها به شیوه‌ی اروپایی دوخته می‌شد و چکمه‌های پاشنه‌دار و پشت بسته، رفته رفته جای کفش‌های بدون پاشنه و سنگین قبل را می‌گرفتند [کولبور رایس: ۱۲۷-۱۲۰].

عوامل اثرگذار بر پوشاک بانوان قاجار

پوشش ایرانیان زمانی متأثر از فرهنگ هزاران ساله‌ی ایران کهن بود و پشت سر خود، دلیل‌های محکمی داشت. دارای چنان قدرتی بود که توانست، برای کشورش هویت‌ساز باشد. بی‌شک تقابل سنت و لباس و فرهنگ‌های متفاوت بومی و منطقه‌ای و تأثیر آن‌ها بر یکدیگر، شکلی خاص به پوشاک دادند.

معماری در دوره‌ی قاجار، از جمله عوامل شکل‌دهنده به پوشاک این دوره بوده است. گاه معماری و شیوه‌ی ساخت بناها نیز، مبتنی بر اعتقادهای مردم و سازگاری با اقلیم و سنن و... بوده است که مجموعه‌ی این عوامل بر یکدیگر تأثیر می‌گذاشتند. برای مثال، معماری خانه‌ها و فضای بیرون از خانه سبب شد که پوشش خانم‌ها در دو نوع خاص اندرونی و بیرونی متظاهر شود. همچنین، خانه‌ها دارای دو بخش اندرونی و بیرونی بودند. زندگی در چنین خانه‌هایی به زنان امکان می‌داد، اوقاتی را که در منزل و اندرونی هستند، از لباس‌هایی استفاده کنند که چندان پوشیده نباشند و بتوانند بدون نگرانی از حضور مردان، با راحتی و آزادی کامل در حرمسرا و خانه گردش کنند. همچنین، فضای زندگی در داخل منزل برای مردان به گونه‌ای بود که می‌توانستند از مهمانان خود در بخش دیگری از خانه که حیاط بیرونی نامیده می‌شد، پذیرایی کنند.

هینرش بروگش، در کتاب خود به نام «سفری به دربار سلطان



صاحبقران» می‌نویسد: «مردان و زنان دارای تفریح گاه‌هایی تفکیک شده بودند و این بیش‌تر به خاطر مراعات حال زنان و مردان بود، که بتوانند با آزادی و فیود کم‌تری به تفریح بپردازند» [بروگش، ۱۳۶۷: ۱۷۱].

این مسائل همه برگرفته از نوع عقیده و تفکری بود که در میان مردم رواج داشت. بخشی از این اعتقادات به دین و مذهب مربوط می‌شد و بخش دیگر به دلیل سنت‌های رایجی بود که قدمت هزاران ساله داشتند. ایرانیان با پذیرش دین اسلام در زمان ساسانیان، بخشی از اعتقادات خود را

کامل کردند. پذیرش شریعت اسلام توسط مردم ایران سبب شد که آن‌ها بسیاری از مسائل را رعایت کنند و این عامل نیز در پوشاک بانوان تأثیر گذاشت؛ به ویژه زمانی که خانم‌ها باید در حضور مردان نامحرم قرار می‌گرفتند. این مسأله موجب پیدایش پوششی برای بیرون از منزل شد که البته تنها منظور از آن، پوششی بود در برابر دیدگان نامحرم و حفظ حرمت و اعتبار زن.

پولاک، پزشک مخصوص ناصرالدین شاه در یادداشت‌های خود می‌نویسد: «لباس زنان ایرانی در بیرون از منزل بسیار ساده و یکنواخت بود و هیچ لطف و گیرایی نداشت. اما همین لباس دو حسن دارد که در مشرق زمین بسیار مورد توجه است: یکی آن‌که صورت زنان را از نگاه نامحرم می‌پوشاند و دیگر آن‌که به پوشنده‌ی آن امکان می‌دهد که به صورت ناشناخته و پنهان به گردش‌هایی برود و از نقاطی دیدن کند که در غیر این صورت و با روی باز، رفتن به آن نقاط مجاز نیست» [پولاک، ۱۳۶۸، ۱۱۷-۱۰۲].

بخشی دیگر از عواملی که پوشاک زنان این دوره را تحت تأثیر قرار می‌داد، روش حکومت و سیاست بود. در دوره‌ی قاجاریه توجه حاکمان وقت بیش‌تر معطوف به دربار و سرگرمی‌های خودشان می‌شود و کم‌تر به فکر رونق اقتصادی و اجتماعی مردم و کشور بودند. از طرف دیگر، توجه بیگانگان به کشور باعث می‌شد که آن‌ها در مقابل تهاجمات گسترده‌ی بیگانگان، هربار دست‌یاری به سوی یکی از این کشورها دراز کنند. در نتیجه، قوای نظامی و سیاسی کشور رو به ضعف می‌رفت و بیگانگان نیز نفوذ و تسلط خود را بر کشور بیش‌تر می‌کردند و موجب برهم خوردن وضع اقتصادی، سیاسی، تجاری و... در ایران می‌شدند.

کشوری که در دوره‌ی صفویه در اوج شکوفایی صنعت نساجی،

قالی بافی، و تولید ابریشم و سایر الیاف برای بافت پارچه بود، در این دوره به دلیل ضعف حکومتی، به وارد کننده‌ی مصرفی پارچه‌های اروپایی تبدیل شد. با ورود منسوجات غرب به کشور، کم‌کم صنعت نساجی دچار رکود و ورشکستگی شد. با سیاست و برنامه‌ریزی بیگانگان، هربار که منسوجات جدیدی وارد کشور می‌شد، روی آن مدل و الگوی لباس فرنگی نیز در میان مردان و زنان ایرانی بیش‌تر گسترش می‌یافت.

کلارا کولیور رایس، در کتاب «زنان ایرانی و راه و رسم زندگی» می‌نویسد: «یک مرتبه از من تقاضا شد پیراهن ابریشم سفید کودکانه‌ای را به آن‌ها امانت دهم تا شاهدختی شش ساله در مراسم نامزدی خود آن‌را به تن کند. از این که سبک و مدل لباس‌های ما را تحسین می‌کند، از آن‌ها سپاس گذاریم و به خاطر خودشان میل داریم، از آن‌ها تقلید کنند؛ البته اگر بتوانند به تمام و کمال از عهده‌ی این کار برآیند» [کولیور رایس: ۱۲۷-۱۲۰].

از طرف دیگر، سفر ناصرالدین شاه به فرنگ و به سوغات آوردن لباس‌های فرنگی، همچنین تقلید فرنگ رفته‌هایی که برای تحصیل به آن‌جا سفر می‌کردند و از لباس‌های فرنگی الگو می‌گرفتند و آن‌را در کشور می‌پوشیدند، عاملی بود برای تغییر شکل پوشاک. در نتیجه، از یک سو مدل و الگوی زندگی غرب وارد کشور می‌شد و از سوی دیگر، هویت جامعه‌ی ایرانی به یغما می‌رفت.

نتیجه‌گیری

وضعیت پوشاک زنان در ابتدای دوره‌ی قاجاریه تماماً برگرفته از فرهنگ و عقاید ایرانی بود. چرا که تا آن زمان هنوز بیگانگان تأثیر چندانی بر شکل پوشش زنان نداشتند یا اصولاً در این مورد فکری نکرده بودند. از طرف دیگر، تعصب و پابندی شاهان نسبت به وطن بیش‌تر بود. صنعت نساجی ایران هنوز پارچه‌هایی بافت داخل را تولید می‌کرد و زنان بیگانه کم‌تر به دربار رفت و آمد داشتند. در نتیجه این دوره بی‌تغییر باقی ماند.

اما در دوره‌ی ناصرالدین شاه، به واسطه‌ی رفت و آمدهای بیش‌تر از جانب فرنگی‌ها و همچنین سفر شاه به فرنگ و جلب توجه خانم‌های درباری به وضع ظاهری پوشش خانم‌های فرنگی، باعث ضعف بیش‌تر صنعت نساجی شد. تقلید از الگوهای خارجی بیش‌تر شد و موجب دوخت لباسی شد که بخشی از آن اروپایی و بخش دیگر آن سنتی بود.

در دوره‌ی پایانی قاجاریه که نفوذ و تسلط بیگانگان بر کشور بیش‌تر شد، ایران بسیاری از صنایع خود را از دست داد که از آن جمله

صنعت نساجی بود. ضعف این صنعت در داخل کشور و توجه بیش‌تر به الگوهای پوشش فرنگی، به معنی کم‌رنگ شدن عقاید و باورهای ملی و سنتی در میان مردم و درباریان بود. غریب‌دگی و تلاش شاهان وقت برای مدرن شدن، با تجربه‌ی خام و نپخته‌ی تهیه‌ی لباس‌هایی همراه بود که به سمت غیر ایرانی شدن فرهنگ پیش می‌رفت.

تصور سیاستمداران از تغییر شکل پوشش این بود که بتوانند با مدرن کردن پوشش زنان و سوق دادن آن‌ها به سمت بی‌حجابی و بی‌عفتی، فرهنگ کهن این سرزمین را هم نابود سازند. با این حال، پوشش بیرونی خانم‌ها در دوره‌ی قاجاریه همچنان به شکل خود باقی ماند و جدا از تغییرات کلی، در اصل و اساس آن تغییری اتفاق نیفتاد.

زیرنویس

1. Drovville

منابع

۱. دیولافوا، مادام ژان. سفرنامه‌ی ایران و کلد و شوش. ترجمه و نگارش محمد فره‌وشی (همایون). دانشگاه تهران. ۱۳۷۶.
۲. دروویل، گاسپار. سفر در ایران. ترجمه‌ی منوچهر اعتماد مقدم. تهران. شبانیز. ۱۳۶۵.
۳. نجمی، ناصر. دارالخلافة تهران. انتشارات همگام. ۱۳۶۲.
۴. کولیور رایس، کلارا. زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان. ترجمه‌ی اسدالله آزاد. آستان قدس رضوی.
۵. بروگش، هینریش. سفری به دربار سلطان صاحبقران. ترجمه‌ی کردبچه. اطلاعات. ۱۳۶۷.
۶. پولاک، یاکوب. سفرنامه پولاک در ایران. ایران و ایرانیان. ترجمه‌ی کیکاووس جهاننداری. انتشارات خوارزمی. تهران. ۱۳۶۸.
۷. بلوش، ویپرت. سفرنامه بلوش، گردش روزگار در ایران. ترجمه‌ی کیکاووس جهاننداری. خوارزمی. ۱۳۶۳.

قدردانی و تشکر

در خاتمه لازم می‌دانم، از استادان ارجمندم، سرکار مرگان جهان آراء و آقایان دکتر حقیقت نائینی و جناب آقای مسعود جوادیان که مرا در این تحقیق راهنمایی کردند، همچنین خانواده‌ی عزیزم که همراه من بودند، کمال تشکر و قدردانی را بنمایم.